

فصل بهار و حالت تعرضی نیروهای امنیتی

سرمقاله

ابهام در صلح و سقوط

محمد رضا هویدا

امروز دور چهارم گفتگوهای چهارجانبه مذاکرات صلح با حضور نمایندگان افغانستان، پاکستان، چین و امریکا در کابل برگزار می شود و گفته می شود در این نشست روی مکان و تاریخ مذاکره مستقیم دولت افغانستان با نمایندگان طالبان نیز بحث خواهد شد.

دو روز پیش شورای عالی صلح به ریاست سید احمد گیلانی شروع به کار کرد. باز هم دو روز پیش نیروهای دولتی از دو ولسوالی نوزاد و موسی قلعه خارج شدند و گفتند که این عقب نشینی ها، تاکتیکی بوده است. در عین حال دولت در جدال با نیروهای طالبان در بغلان هنوز هم نتوانسته است. برق کابل را که توسط طالبان قطع شده بود به صورت کامل وصل نماید. طالبان نه تنها یک پایه برق بلکه چندین پایه را تخریب کرده اند و در صورت امکان برای فشار آوردن بیشتر بر دولت پایه های دیگری را نیز تخریب خواهند کرد.

دولت افغانستان در گذشته پهای زیادی برای صلح با طالبان پرداخته است. سیاست دولت های گذشته برای رسیدن به صلح، دادن امتیاز و باج با طالبان بوده است. در دولت جدید نیز هیچ سیاست متمایزی از گذشته به چشم نمی خورد. شورای عالی صلح جدید نیز در آغاز راه است و بعید است که بتواند سیاستی متمایز از گذشته را در پیش بگیرد. طالبان تنها از این راه بوده که توانسته اند پیشروی کرده و مناطق و ولسوالی ها و ولایات مهم کشور را تهدید کنند. سایه سنگین سیاست های دولت در قبال طالبان، زندگی مردم را متاثر ساخته است. در واقع امر و برای مردم، عقب نشینی تاکتیکی یعنی سقوط دو ولسوالی به دست طالبان در حالی که در همان روز در کابل شورای عالی صلح ساخته شده است.

اگر در کنار آن، نشست های بی در پی گفتگوهای چهارجانبه امریکا، چین، افغانستان و پاکستان را بگذاریم، و همان سوال را باز تکرار کنیم که چه ارتباطی می تواند بین سقوط ولسوالی های مهم در جنوب و تشدید تهدیدهای بیشتر بر ولسوالی ها در شمال و مرکز وجود داشته باشد، شک و شبهات بیشتری به وجود می آید.

تاکتیک های جنگی دولت به ادعای دولتمردان کشور حالت دفاعی دارد و جز به ضرر دولت و قتل و کشتار سربازان و مردم عادی نمی انجامد. تا کنون ناکارآمد بوده است. مقامات عالی رتبه دولتی در یکی - دو سال اخیر بارها هشدار داده اند که جنگ بیشتری می شود و از مردم خواسته اند تا این واقعیت را بپذیرند، عقب نشینی های تاکتیکی به سقوط ولسوالی های مختلف انجامیده است، گفتگوهای صلح جز به پولدارتر شدن و مجهزتر شدن و جریتز شدن طالبان نینجامیده است. «صلح» و «سقوط» معنای بهتری پیدا می کند.

اگر شورای عالی صلح در این بار بتواند حد اقل تعریفی مشخصی از طالبان ارایه بدهد و واضح بسازد که با چه کسانی طرف است و با چه کسانی باید گفتگو کند، شاید بزرگترین کار را برای افغانستان انجام داده است. اما اگر ولسوالی های بیشتری یکی در پی دیگری سقوط کنند و طالبان بر آنها تسلط یابند و شورای عالی صلح به نحوی توجیه گر سقوط مناطق کشور و نادیده گرفته شدن خون جوانانی که برای حفظ این مناطق به شهادت رسیده اند، در این صورت از این شورا نباید انتظاری ویژه ای داشت.

در پایان باید گفت که توجیه سقوط مناطق و ولایات کشور نباید به عنوان بهانه از سوی وزارت خانه های مسئول مطرح شود. به جای آن وزارت خانه های مسئول باید به کاستی های و نقص هایی در رده های بالای رهبری شان، همانند اداره شدن توسط سرپرست ها، عدم هماهنگی میان نهادهای مسئول، نبود استراتژی قوی و روشن برای مبارزه با طالبان و... اعتراف کنند. برای مردم افغانستان نیز سخت است بپذیرند که دولت در وضعیتی قرار بگیرد که به دلیل عقب نشینی تاکتیکی مناطق و ولسوالی های کشور را رها کرده و طالبان بر آن مناطق مسلط شوند.

سال ۲۰۱۴، پایان مأموریت رزمی نیروهای بین المللی در افغانستان بود. در این سال بخش زیادی از نیروهای بین المللی از افغانستان خارج شدند. پایان مأموریت نظامی و خروج آن ها از افغانستان باعث تشدید جنگ در افغانستان شد. گروه های مخالف مسلح حکومت افغانستان خروج نیروهای بین المللی را یک فرصت برای گسترش ساحه نفوذ خود دانستند و حملات خود را در ولایات مختلف تشدید بخشیدند. بر اساس گزارش ها، در دو سال گذشته تنها دو ولایت بامیان و پنجشیر از امنیت کامل برخوردار بوده است. در دیگر ولایات کشور، گروه طالبان و دیگر گروه های مخالف مسلح دولت نفوذ نموده و با نیروهای امنیتی کشور درگیر شدند. سال ۲۰۱۴ سال خونین برای نیروهای امنیتی و شهروندان افغانستان خوانده شدند. در سال ۲۰۱۵ نیروهای امنیتی افغانستان با دشواری های بیشتری مواجه شدند. ولایت کندز سقوط کرد. گروه طالبان برای چند روز، کنترول آن را به عهده گرفتند. نیروهای امنیتی با حمایت هوایی نیروهای بین المللی قادر به کنترول مجدد شهر کندز شدند. سقوط شهر کندز اولین تجربه شکست سنگین نیروهای امنیتی در برابر گروه طالبان بعد از سقوط امارت اسلامی در سال ۲۰۰۱ بود. قبیل از این، نیروهای امنیتی کشور در هیچ جای کشور تجربه شکست به این پیمانها را نچشیده بود. بعد از کنترول مجدد شهر کندز هیئت حقیقت یاب از سوی رئیس جمهور موظف گردید تا عوامل و دلایل سقوط این ولایت را بررسی نموده و به ارگ ریاست جمهوری گزارش دهد. گزارش هیئت اما، هیچ فرد و مسئول نظامی و ملکی را مسئول ندانست. ضعف و پیچیدگی ساختاری را عامل اصلی سقوط شهر کندز خواند. گزارش هیئت حقیقت یاب در واقع فرار از پذیرش مسئولیت بود. با این حال، ولایت کندز به صورت کامل از وجود گروه های مخالف مسلح دولت پاکستانی نشدند. اکنون، در بخش های این ولایت گروه طالبان وجود دارد و زندگی شهروندان کشور را با خطر مواجه می سازد. گروه طالبان از ولایت بغلان به عنوان عقبه استراتژیک در حمله به شهر کندز

استفاده نمودند. زمانی که نیروهای امنیتی افغانستان با حمایت نیروهای بین المللی شهر کندز را دوباره تصرف نمودند و گروه طالبان را از آنجا خارج نمودند آن ها به ولایت بغلان عقب نشینی نمودند. در آنجا با نیروهای امنیتی افغانستان درگیر شدند. دند شهباب الدین و ۱۰ روستای دیگر را تصرف نمودند. دندغوری با امضای یک تفاهم نامه به گروه طالبان واگذار شد. پیامد واگذاری دندغوری سنگین و پر هزینه بود. نزدیک به یکماه برق کابل قطع گردید. هزاران خانواده از محل زندگی خود آواره شدند. اکنون ولایت بغلان به میدان جنگ میان نیروهای امنیتی و گروه طالبان تبدیل شده است.

ولسوالی سنگین در ولایت هلمند نیز مورد حمله شدید گروه طالبان قرار گرفت. در سال ۲۰۱۵، نیروهای امنیتی کشور از سوی گروه طالبان محاصره شدند. حکومت مرکزی محاصره ولسوالی سنگین را چند روز اعلان نمود. اما سربازان کشور که در این ولسوالی ایفای وظیفه می کنند محاصره سنگین را چند ماه اعلان نمودند. در هر صورت، محاصره و مقاومت تشدید گروه طالبان نشان می دهد که آنها قادر به ایجاد

رحیم حمیدی



وضعیت بحرانی برای حکومت و نیروهای امنیتی افغانستان است. محاصره ولسوالی سنگین با حمایت نیروهای بین المللی شکسته شد. با این حال، خطر برای ولایت بغلان همچنان مورد تهدید است. ولسوالی موسی قلعه و نوزاد جدیدا از سوی نیروهای امنیتی کشور تخلیه گردیده است و به گروه طالبان واگذار شده است. مقامات ولایت هلمند واگذاری و عقب نشینی از دو ولسوالی موسی قلعه و نوزاد «عقب نشینی تاکتیکی» خوانده اند. این دو ولسوالی بدون حمله گروه طالبان و مقاومت نیروهای امنیتی افغانستان به گروه طالبان واگذار شده است. نیروهای امنیتی کشور فرصت آن را داشته اند تا پایگاه های نظامی خود را به آتش بکشند. حکومت افغانستان واگذاری دو ولسوالی را عقب نشینی تاکتیکی می خواند. اما از نظر مردم افغانستان عقب نشینی به شکل کنونی نشان ضعف و ناتوانی در مدیریت جنگ می باشد.

با وجود تشدید حملات گروه طالبان در نقاط مختلف کشور، اما، نیروهای امنیتی کشور پاسخ قاطع داده اند. اگر ولایت کندز

صلح از آرزو تا واقعیت!

شکور



آرزوی انسانی دیگر فقط در تخیلات و داستان ها و قصه های مردم ما جای یافته است. بطور مشخص اگر بتوان گفت تاریخ، سیاست، فرهنگ، جامعه، اقتصاد، زندگی و... در جامعه ما بیش از هر چیزی با آرزوی زندگی بخش و آرمانی انسانی مطرح بوده است. خشونت و جنگ توأمان بوده است و از آرایش و مسالمت و صلح خالی! اگر در ادبیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ما کلمه ای و جمله ای بنام صلح یا در ارتباط با صلح مطرح بوده است در واقع فقط در حد یک آرزو و خیال بوده است و یا سایه ای بسیار کم رنگ و نسیمی بسیار نازک و لحظه ای بسیار کم شمار.

در شرایط کنونی هنوز که هنوز است مسئله صلح با این که بگونه ای بسیار جدی و گسترده در عرصه سیاست و اجتماع مطرح می باشد، ولی در حقیقت امر هیچ جایگاه تعریف شده و واقعی برای آن در نظر گرفته نشده است. صلح در این عرصه و زمانه نیز هم چون تفنگ و شمشیر و برچه و گلوله بسان یک ابزار، در کنار هزاران ابزار خشونت دیگر قرار داده و به گردهمایی ها و تجمع ها و خطابه ها پرداخته می شود. سرانجام صلح بازچیه ای همانند دهها وسیله بازی دیگر در دست بازیگران قدرت و سرمایه در این میان آنچه قربانی صلح می گردد خود، صلح است و مردمی که تشنه صلح اند واقعیت آنست که در سبب نیازمندی به صلح و ضرورت سیاسی و تاریخی آن برای افغانستان و چگونگی میکانیزم و طرح آن هزاران هزار مرتبه گفته و نوشته و ادعا گردیده است؛ اما به دلیل این که هرگز نگاه صادقانه و استراتژیک و واقع بینانه نسبت به صلح وجود نداشته و ندارد به همین دلیل هرگز به نتیجه لازم نه تنها منجر نگردیده است بلکه دامنه و عمق بحران و صدماتی را خفه سازد یا ناحق را برکسی رساند، آنگاه از حربه صلح استفاده می شود. این وضعیت را در صف آرایی های سیاسی و نظامی کشور می توان اندکی روشنتر بیان داشت. وقتی طالبان و تروریست ها و حامیان بیرون مرزی شان احساس نمایند که شدت خشونت و قساوت افکار عمومی

روزی که در این بار بتواند حد اقل تعریفی مشخصی از طالبان ارایه بدهد و واضح بسازد که با چه کسانی طرف است و با چه کسانی باید گفتگو کند، شاید بزرگترین کار را برای افغانستان انجام داده است. اما اگر ولسوالی های بیشتری یکی در پی دیگری سقوط کنند و طالبان بر آنها تسلط یابند و شورای عالی صلح به نحوی توجیه گر سقوط مناطق کشور و نادیده گرفته شدن خون جوانانی که برای حفظ این مناطق به شهادت رسیده اند، در این صورت از این شورا نباید انتظاری ویژه ای داشت.

در پایان باید گفت که توجیه سقوط مناطق و ولایات کشور نباید به عنوان بهانه از سوی وزارت خانه های مسئول مطرح شود. به جای آن وزارت خانه های مسئول باید به کاستی های و نقص هایی در رده های بالای رهبری شان، همانند اداره شدن توسط سرپرست ها، عدم هماهنگی میان نهادهای مسئول، نبود استراتژی قوی و روشن برای مبارزه با طالبان و... اعتراف کنند. برای مردم افغانستان نیز سخت است بپذیرند که دولت در وضعیتی قرار بگیرد که به دلیل عقب نشینی تاکتیکی مناطق و ولسوالی های کشور را رها کرده و طالبان بر آن مناطق مسلط شوند.

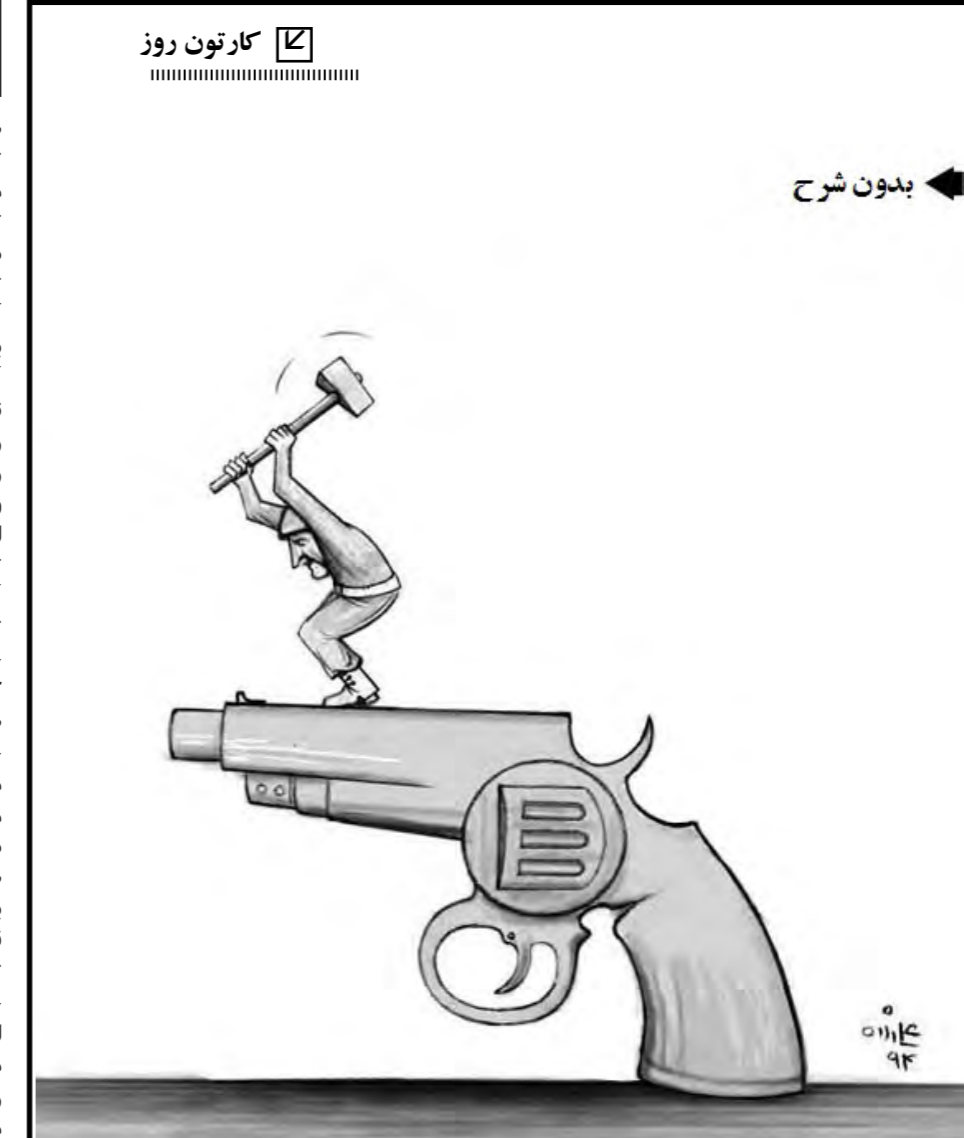
مسئولیت آشتی دادن جناح متنازع را در کشور به عهده دارد آیا یک نهاد مستقل است یا یک نهاد دولتی؟ دوم این که برخی از آگاهان بر این باور هستند که بعضی از اعضای شورای عالی صلح علاوه بر این که از صلاحیت و شایستگی در گذشته و اکنون مورد تردید می باشند، بی طرف بودن آنان که مورد اعتماد طرف های درگیر قرار گیرند نیز محل بحث است. در سال های گذشته در فصل زمستان همه در فصل سرما و زمستان اتفاق افتاده است. در سال های گذشته، در فصل زمستان جنگ در سراسر کشور کاهش می یافت. امسال اما، برعکس سال های گذشته جنگ تشدید یافت. فصل بهار اما، آغاز حملات بهاری گروه طالبان بوده است. نیروهای امنیتی در حال پشت سر گذاشت زمستان سخت و دشواری است. با توجه به تشدید جنگ در فصل زمستان به سخت و شکننده قرار گیرد.

اگر شورای عالی صلح در این بار بتواند حد اقل تعریفی مشخصی از طالبان ارایه بدهد و واضح بسازد که با چه کسانی طرف است و با چه کسانی باید گفتگو کند، شاید بزرگترین کار را برای افغانستان انجام داده است. اما اگر ولسوالی های بیشتری یکی در پی دیگری سقوط کنند و طالبان بر آنها تسلط یابند و شورای عالی صلح به نحوی توجیه گر سقوط مناطق کشور و نادیده گرفته شدن خون جوانانی که برای حفظ این مناطق به شهادت رسیده اند، در این صورت از این شورا نباید انتظاری ویژه ای داشت.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com



صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷